

## متن پرسش

سلام جناب استاد: سوالی هست که به روحم و مغزم فشار می آورد و نمی توانم جوابی برایش درک کنم. مگر شاید جوابم به روش ابراهیمی و رب ارنی باشد. قبلا درباره پرسشم این جواب را گرفته ام که آیا اگر در لذتی باشی بعد بگویند لذت بیشتری هست؛ خسته می شوی؟ یا اگر علم گوارایی داشته باشی بعد بگویند علم بیشتری هست خسته می شوی؟ که پاسخش خیر است و خیر است و خیر این هاست که ابدیت بهشت را گوارا می کند و لذیذ و... اما جناب استاد این پاسخ ها مغزم و فکرم را قانع می کند اما هنوز نتوانسته روحم را قانع و مجاب کند؛ واقعا ابدیت ما یعنی چه؟ شوخی که ندارد این تا همیشه بودن و تا هرگز تمام نشدن! هرچقدر هم لذتی افزون بر لذتی الهی باشد اما تا کی، تا کجا؟ آخرش آخر چه خواهد شد بالاخره؟ زمان که مربوط به این دنیاست و گردش کرات و...؛ پس حالا ابدیت در عین بی زمانی مادی یعنی چه؟ آن «همیشه ی بی هرگز» چه نوع زمانی است؟ گاهی در ذهنم تصور می شود که خدا همینطور دارد می رود و ما هم در مسیر او می رویم ولی خب به او نمی رسم چون این حرکت برای هر دو است اما خدا که نمی رود؛ (اصلا کجا برود!؟) پس چطور است که نهایتا به او نمی رسم؟ این بی پایانی خدا یعنی چه؟ و سوال دیگرم اینکه ابعاد جهان مادی آخرش چه هست و کجاست؟ آیا جهان ماده نسبت به درک مادی ما وجود دارد و درواقع حقیقتی ندارد؟ آیا «شدت» اجسام کثیف باعث تصور درک ما می شود که ماده اند یا واقعا ماده حقیقت دارد؟ اگر دارد پس آخر عالم ماده کجاست؟ طبق علم فیزیک هم که ماده نابودشدنی نیست. کمکم کنید. ممنون

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به این بیت فکر کنید که می فرماید: «چو رسی بر بامهای آسمان / سرد باشد جستجوی نردبان». آری! «سوار چون که به مقصد رسد پیاده شود». وقتی انسان در ابدیت خود به اصیل ترین بودنش در مأوای الهی حاضر شد، مگر امکان دارد که چیزی برایش مانده باشد که بخواهد باز برود تا برسد؟ بخصوص که فراموش نکنید خداوند مقصد است و از این جهت حضرت سجاد «علیه السلام» در خطاب به حضرت حق عرضه می دارند: « يَا أَمَلِي وَ بُعَيْتِي، وَ يَا سُوْلِي وَ مُنْيَتِي،» ای آرزویم و مرادم و خواسته ام و امیدم. موفق باشید